

طالب افغان چه بود، چه شد و چه خواهد شد! (قسمت چهارم)

بدین ترتیب بعد از آنکه نماینده خاص سازمان ملل متحد در برقراری صلح در افغانستان ناکام گردید، جهان در ماه های اخیر سال ۱۹۹۴، شاهد آن بوده است که، برای نخستین بار شکل یا «سازمان» جنگی تحت نام، «طالب»، تذکار یافت طوری که در قسمت های قبلی هم یاد آوری بعمل آمده است، این گروه مسلح، از طریق خاک «پاکستان» به بهانه «بدرقه» قطار یا کاروان اموال «تجارتی» پاکستانی، به همراهی نصرالله بابر، وزیر داخله حکومت بی نظیر بوتو، رهبر «حزب مردم پاکستان»، بقصد عبور از داخل خاک افغانستان، بسوی سرحد افغانستان - ترکمنستان، وارد قندهار گردیدند. این کلمه، «طالب» بعد از آن، در فهرست کلمات «ژورنالیستان»، نویسندگان و سیاستمداران، بمعیار بین المللی شامل ساخته شد. قبل از آنکه به تفصیل بیشتر پرداخته شود، این واحد های جنگی زاده شرایط جنگی در دان «جهاد» و همچنان، محصول رقابتهای و قدرت طلبی های منطقوی و بین المللی بوده، حال وقتی قسمت دوم عنوان را، به بحث میگذارم، معنی آنرا ندارد، که همه وقایع بنام طالب، که جامعه ما آنرا از گذشته ها می شناسد، خاتمه یابد.

روزنامه ها بقول از منابع خبری «رویتر» از شهر «کوئته» - پاکستان، خبر داد که «شاگردان مذهبی قندهار را تحت کنترل خویش در آوردند» در همین گزارش هم تذکر داده میشود، که هدف آنها، باز نمودن راه «ترانزیتی» با پاکستان است، که در نتیجه «جنگ داخلی غیر قابل عبور گردیده است». قبل از آن، این شهر تحت «فرماندهی اداره حکومتی» قرار داشته است.

«طالب» روزهای اول که اهداف «خلع سلاح» را به پیش می برد و حرف از ختم جنگ نیز در میان بوده است، برای مردم امید هایی را هم با خود داشت.

در نخستین روز ها، مردم عوام ازین حرکت استقبال نموده بودند. در همان ایامیکه همین جنبش، قندهار را قرارگاه خود انتخاب نمود و قطعاتی از قوت های آن از قندهار بسوی غرب، بقصد هیلمند، فراه و هرات و بسوی شرق، بقصد غزنی و کابل در حرکت بوده اند، حتی برهان الدین ربانی، «رئیس جمهور» وقت که درگیر جنگ با «صدر اعظم وقت خودش» و «متحد قبلی کمونیست اش، جنرال عبدالرشید دوستم»، بوده است، در یک صحبت رادیویی در مورد طالبان گفت: «آدم های خوبی اند...». فقط زمانیکه به سرحدات کابل نزدیک می شدند، به اظهارات ضد پرداخته است.

استقبال مردم ازین حرکت، قبل از همه خستگی از جنگ را نشان میدهد، نه آنکه مردم بر اساس شناخت و پیوند با این «حرکت نو»، سازمان یافته مصمم بوده باشند، تا پایه های اجتماعی را برای «طالبان» تشکیل دهند. اما نمی توان انکار نمود، که این نام و هویت سابقه در جامعه افغانی که در قسمت اول تذکار یافته است، و اصلاً جنبه مذهبی - فرهنگی داشته است، میتواند بنفع «طالب» بوده باشد. اما وقتی، همین گروه مسلح ساحات وسیعتر را اشغال می نمودند، گزارشات در آنزمان از موجودیت سه گروه عمده در تحت نام «طالب» یاد میگردید، بهر صورت احتمال فعال بودن دست های قوی «مرموز» را نیز الهام می بخشید. سوال اینست که، چه عوامل باعث شد، تا جوانب درگیر در جنگ، در حالیکه هر فیر تفنگ و غذای جنگی های خود را، به احتمال قوی از قدرت های خارجی بدست می آورده اند، ولی هیچگاه بطور جدی، منطق مذاکره و راه حل سیاسی را نمی سنجیدند. در صف جنگیان، موجودیت «اجیران» معمول جنگی، معاش خور نیز خارج از امکان نبوده است. در عقب آن نام معصوم «طالب» جامعه عنعنوی و مذهبی، چه دست هایی باید فعال بوده باشند.

درین گروه ها، هواداران رژیم سابق قبل از آغاز بحران در نیمه دوم دهه هفتاد قرن بیست، یعنی قبل از سقوط سردار محمد داود خان شهید، هواداران و افسران «خلقی» دسته های مختلف که «حزب حاکم چپی» قبلی را ترک نموده بودند، بعضاً حتی از «امینی ها» نیز نام میبرده اند، گروه سومی، ناراضی های «جهادی» که رهبری آنها را «ملا های» معروف بدست گرفته بودند، تشکیل میداده است. بتدریج در ترکیب اتحاد ها نیز تغییرات رونما می گردید. لیکن، با مروری برچهره های جنگی های آنها، میتوان چنان انتباه حاصل نمود که از نام «معصوم» طالب

در تاریخ کشور ما، ماهرانه باید بمنظور «پوشش» کار گرفته شده باشد. بجای حفظ کلمات کتاب مقدس «قرآن»، باید استعمال «تانک»، «راکت انداز» را آموخته باشند.

نباید فراموش نمود که در همان آغاز پدیدار شدن «طالبان»، مولوی محمد نبی محمدی، بیشتر و روشنتر از همه، از «حرکت» طالبان، حمایت نموده، است که ممکن شاگردان «آزاد» خودش، یعنی از زمانیکه مشغول تدریس در جوار مساجد بوده است، نیز وجود داشته بوده باشند. آگاهان می گفته اند، که افراد نامدار این حرکت، زمانی در تنظیم او عضویت داشته اند. بدون هیچنوع شک و تردید، ملا محمد عمر، «امیر» طالبان، از جمله اعضای جنگی تنظیم، «حرکت انقلاب اسلامی»، تحت رهبری مولوی محمد نبی بوده است. در عین زمان، آگاهان، از عضویت قبلی ملا محمد ربانی، که پس از اشغال کابل، شخص اول در کابل شناخته شده است، زمانی «افتخار» عضویت در جمعیت برهان الدین ربانی را نیز داشته است، که بعداً هم در مورد معلومات ارائه خواهد شد.

هر گاه بیاد آورده شود، در همان لحظات اول شایعات و حکایات، در حلقات و محافل مختلف، بخصوص در حلقه طرفداران سلطنت، مجالس را باید با «امیدها»، گرم نگه می داشتند، که گویا، این «حرکت» وظیفه انجام وظایف «مقدماتی» را بدوش گرفته است، بعد از سرکوب «جنگ تنظیمی»، طلبان ملاها و شاگردان پیروز شده آنها، دوباره به مساجد و مدارس برخوانند گشت، بعضاً حتی از دوباره رویکار آمدن نظام «سلطنتی» و یا نقش رهبری به پادشاه سابق و هواداران ایشان، در هر نوع سیستمی که پایگذاری گردیده می توانست، سخن می گفتند.

اظهارات مولوی محمد نبی در نخستین روزها، همچنان هدایات سید احمد گیلانی به افراد مسلح اش و متعاقباً «معرفی حامد کرزی»، بحیث نماینده خاص «طالبان» در سازمان ملل متحد، از جانب رهبری «حرکت طالبان»، که عضویت او در تنظیم «صبغت الله مجددی»، شناخته میشد، بر تقویت شایعات فوق می افزود. خصوصاً وقتی «جنرال عبدالولی خان»، داماد و پسر کاکای پادشاه سابق به پاکستان سفر کرد، ذهنیت ها باید هرچه بیشتر بنفع طالبان در داخل کشور تغییر نموده باشد و امید های «مثبتی» را زنده ساخته باشد. اضافه از همه علایم، رهبران همین سه تنظیم ذکر شده، در جریان جنگ با قوای شوروی و دولت تحت حمایت آن، بعنوان اتحاد «سه گانه» و «معتدل»، طرفدار پادشاه سابق یاد می شدند.

در همان آغاز بخوبی احساس میشد که بروز همچو «نیرو» را، اکثراً در آن مرحله انتظار نداشته اند، بعضی ها ممکن، بعنوان واقعه غیر مترقبه پذیرفته باشند و بمثابه یک حادثه «نیک» دانسته باشند. زیرا در مرحله که قدرت های بزرگ و کشور های غربی خود آنها را کنار کشیده بودند، سازمان ملل متحد تلاش میورزید تا در بین گروه های درگیر بتوافق «ختم جنگ» برسند. در اولین لحظات از نقش پاکستان در بخش تسلیح «طالبان» و توظیف «مشاورین» سیاسی و نظامی، برای جنگی ها و رهبران ظاهراً مذهبی این «حرکت» و همچنان روابط خارجی با عربستان سعودی و «امارات عربی متحد» معلوم بود، که وقتی قریب ۲۲ ماه بعد وارد کابل شدند، با تأسیس سفارت ها انجامید. مجلات غربی به نشر عکس ها، نوشته اند که «اسلامیست» های پاکستان آنها را تسلیح و تمویل می کنند.

آنچه در همان آغاز جلب توجه می نمود، آن بوده است که گویا «رهبر» این «حرکت» با «گرفتن عکس» مخالف بوده است، باز هم همین عکس با یک سلسله اطلاعات در باره شخص «رهبر» این «جنبش»، از جمله علایم



A Taliban soldier heading for the Kabul front Monday to fight government forces.

«ممیزه» او، چون از دست دادن، یک «چشم» در زمان جنگ با قوای شوروی، نام برده می شد. در باره زندگینامه او اطلاعات پراکنده، بنشر رسید. در همان لحظات عکس ذیل که اگر درست باشد، ممکن از روی کدام «کارت هویت»، عضویت اش در کدام تنظیم و یا ممکن در جریان جنگ از جانب کدام مؤسسه گرفته شده باشد. یقین دارم که خوانندگان محترم، این تصویر را دیده باشند. موضوع خوداری از نشر عکس که در حال حاضر، از آن گریز مطلق ممکن نیست، به بهانه «عقیدت مذهبی استدلال می نموده اند». (عکس بالای سطر را منابع شراتی از ملا محمد عمر رهبر طالبان نام داده اند ----)

وقوع حوادث بتدریج، بخصوص وقتی درجنگ داخلی، با پدیدار شدن این قوت تحت نام «طالب»، ترکیب جدیدی از اتحاد بوجود آمد، «دشمنان سابق» باز با هم «دست دوستی» دراز کرده اند، عاری از احتمال نیست که در تقویت «نیروی طالب» هم، از «عرصه بین المللی معتقدین و هواداران» تحت نام «داوطلب» با «قطعات جنگی طالب» نیز داخل گردیده اند.

اما آنچه در آغاز طرز گزارشدهی منابع غربی، بخصوص «بی.بی.سی.» بیشتر از هر رسانه خبری دیگر نشان می دهد، اینست که، این منبع عکس های معینی را، که لباس آنها، تا حدی، شناخته

می شود و به احتمال قوی هدفمند انتخاب نموده باشند، مکرراً با مطالب تحت عنوان: «طالبان کیانند؟»، منتشر شده اند.

بار دیگر یاد آوری می گردد، که با بمیدان آمدن «طالبان» جوانب درگیر قبلی در جنگ داخلی، بخصوص در جنگ های کابل، یعنی برهان الدین ربانی و متحدان او در حکومت وقت «کابل» از یکطرف و گلبدین حکمتیار و عبدالرشید دوستم از جانب دیگر، روی پیشنهادات «آتش - بس» موافقت نمودند، بعداً «جبهه جدید» دیگری را تشکیل دادند.



همه می دانند، که «طالبان»، «لنگی» پوش اند، علاوه بر اکثریت مسلمانان این کشور، منجمله پشتون ها هم مسلمان بوده، بیشتر لنگی پوش اند. در مناطق مختلف کشور، لنگی را به طرق و اشکال مختلف می بندند. نمونه از عکس ها تیرا که «بی. بی. سی.» بیشتر بدست نشر سپرده است، از نظر می گذرانیم: ممکن است، آنها تیکه با طرز زندگی، رسوم و عادات مردم مناطق افغانستان شناخت داشته باشند، چنین انتباه بگیرند، که گویا این «جنبش» ریشه محلی یا «ایتی» معین داشته است. در حالیکه پافشاری اکثریت منابع در همان روز های اول، بر آن بوده است، که گویا، «جنگی های طالب»، از «مدارس دینی» قیام کرده اند. در سلسله عکس های ذیل، هر گاه آشنائی قبلی، با حرکات، سلیقه لباس، «طالب قدیم» افغانستان آشنائی موجود باشد، واضح می توان دید، که چهره های زیادی، با «طالبان مسلکی»، سر نمی خورد.

«هنری رودولف» (Henri Rudolf) از دهلی، برای روزنامه «نویس دویچلند»، بتاريخ ۲۰ اکتوبر ۱۹۹۵ تحت عنوانیکه: «آیا هندوستان باز بر اسب غلط گذاشته است؟» گزارش می دهد. بصراحت می نویسد، که در سمت غربی جنوب آسیا، صحنه نوبی انکشاف می نماید: «پاکستان از نیرو های طالب که کابل را محاصره نمود اند، حمایت می کند. این هم نمونه دیگری از دست های خارجی، خاتماً منطقوی را در وقایع افغانستان، برملا می سازد. هند هنوز هم» طوریکه گزارشگر می نویسد، «در جانب حکومت رئیس برهان الدین ربانی قرار دارد که تحت فشار می باشد.» در همین گزارش همچنان ادعائیرا به نشر می سپارد، که گویا طالبان بکمک عساکر پاکستانی هرات و میدان هوائی شیندند را شغال نموده اند.

(در پای این عکس که در «هیرالد انترنیشنل» مؤرخ ۱۵ اکتوبر، روز دوشنبه، منتشر شده است، می نویسد که در همان روز علیه قوای حکومت وقت باید، به جنگ می رفت.) در عنوان مطلب ادعا شده بود که طالبان، در راه سرنگونی «جنگ سالاران» بیا برخاسته اند.



Bewaffnete Taliban beim Vormarsch auf die Hauptstadt: Schlagkraft bewiesen
152 DER SPIEGEL 8/1995

بناء اشتباه بزرگ شمرده خواهد شد، که همه «طالبان» را در یک «کلیشه» واحد انداخت و بسیار ساده، بعنوان شاگردان هم سوپیه از «مدارس دینی»، مناطق قبایلی پشتون نشین و دیگر مناطق پاکستان دانست. این که رهبران و طراحان این «جنبش» بنام طالب، تا چه حد، از ظرفیت های وسیع، بحران اخیر افغانستان، بخصوص جنگ علیه قوای شوروی و قوای دولتی تحت حمایت آن و تجارب و غیره استفاده نموده اند، فقط مرور سطحی می تواند، حد اقل معلومات قانع کننده، بدست دهد. نباید فراموش کرد، که در پهلوی همه ویرانی ها، حوادث بیش از «سی» سال، حتی بر نقش «معلم» و «حیثیت» و «روشنفکر»، صدمات سنگین وارد آورد، حتی کلمات و اصطلاحات، بی گناه، از جانب گویندگان زبان و هواداران ادبیات کشور، سمت نا پدید شدن را اختیار نموده است.



Taliban-Rebellen stehen nahe der afghanischen Hauptstadt Kabul.

با نمایش عکس های فوق و محتوای گزارشات دیده می شود که این «جنبش طالبان» در کمترین فرصت، توانست در سمت های مختلف، پیشروی نموده، برخورد های خشن و بیرحمانه آنها، در مسیر راه ها هم عاری از ایجاد وحشت و واهمه نبوده است، که با «کرکتر» طالب که عوام افغانستان، از گذشته ها با آنها آشنا بوده اند، مطابقت نشان نمی دهد. آنچه روشن است، این قوای مسلح تخمینی ۲۵۰۰۰، علاوه از قندهار، بسمت

د پانو شمیره: له ۳ تر 4

غرب، در عین حال بسوی کابل نیز از جهات شرق و جنوب، پیشروی می نموده اند. روزنامه «ویست دویچه سایتونگ»، در شماره ۲۲ فبروری ۱۹۹۵ با چاپ این عکس، که در پای آن، از مواضع شورشیان - طالب در نزدیکی پایتخت کابل یاد آور می گردد، همچنان از «موانع در برابر پلان صلح» سخن بزبان می آورد.



Talibankämpfer vor Kabul: Ausbildung von pakistanischen Islamisten finanziert

Der Spiegel Nr.40 / 1996, s185

در ماه های اول ۱۹۹۵ پس از پیشروی های قابل ملاحظه در قندهار و برخی از مناطق جنوب غرب و غرب کشور، مجله «شیگل»، چاپ آلمان در یک «راپور» تحت عنوان «ملاها برای کابل»، با نشر عکس نوشت: «یک گروه تعلیم دیده خوب جنگی مذهبی مکاتب قرآن، مسیر جنگ داخلی خود را تحمیل نمود. در پای عکس می خوانیم: «طالبان مسلح در حال پیشروی بسوی کابل».

پیشرفتهای جنگی «طالبان» در آغاز، از جانب مردم خسته از جنگ تباه کن، مثبت خوانده می شد. بخصوص موضوع خلع سلاح و همچنان ضدیت با حالت جنگ داخلی که از جانب «جنگ سالاران» و بعضی از تنظیم ها، بر سر قدرت، ادامه داشت، از جانبداری وسیع برخوردار بوده است. یک هفته قبل از سقوط کابل، مطبوعات از زبان «صاحب نظران» می نوشت که گویا کابل سقوط نمی کند. پیشرفت آنها باعث گردید که گلبدین حکمتیار از مواضع قبلی اش پس از مقاومت سبک عقب نشینی نموده، همراه با متحد جنگی وی بر ضد حکومت ربانی و شورای نظار مسعود، با «اتحاد شمال» بپیوندند. گلبدین حکمتیار در نتیجه همین فشار، با ربانی قرارداد صلح عقد نموده، مقام صدارت در دولت ربانی را اشغال کند. حکومت «مسعود - ربانی» با گلبدین حکمتیار کابل را قبل از هجوم طالبان، ترک گفته بودند. در ۲۷ «سپتمبر» ۱۹۹۶ این «حرکت» وارد کابل گردید، معما باز هم این یوده است، که دقیقاً چه دستی در عقب آنها، رشته های قدرت را تحت اداره و کنترل خود داشته باشد. قابل یاد آوری است که قبل از ورود «طالبان» به کابل، واشنگتن با فعالیت های «گروه های اسلامی» روبرو بوده، «اوسما بن لادن» را متهم می دانستند که گویا در «بمب گذاری» عمارت مقر افراد خدماتی نظامی امریکا در عربستان سعودی، در سال ۱۹۹۶، که در نتیجه ۱۹ نفر کشته بجا گذاشت، دست داشته است. کمی قبل از سودان وارد افغانستان گردیده بود. او در زمان ربانی وار کشور گردیده بود.

< ----- >



این عکس را مطبوعاتی ها قبل از ورود این «حرکت» به کابل بدست نشر سپرده اند. در پایان عکس تذکر داده اند: «جنگی های طالب یکسلسله دستاورد ها و پیروزی های خود را جشن می گیرند.» کسانی که با زندگی «طالب» و «ملا» و پوشیدن «لباس» آنها، آشنائی داشته باشند، لباس «تیپ» هیچ یکی از آنها را، با «طالب» اصلی شباهت داده نخواهند توانست.

«خطوط و سنگر های جنگ در داخل شهر منتقل گردید.» به ادامه گزارش می یابد که نفوس تخمینی شهر در سال ۱۹۹۰ که ۲.۵ قلمداد گردیده بود، تلفات عظیمی را محمل شده است.

در اثر فیر راکت ها، ضربت مرمی توپ های ثقیل و بمباران های شدید، قریب همه خانه های مسکونی ویران و یا صدمه دیده اند. در عین حال تذکر می دهد که «شکست» تلاش های «محمود میستیری» فرستنده سازمان ملل متحد، در امر خم جنگ و رسیدن به «حل سیاسی»، چنین هدف را به «آینده نا معلوم» دور عقب انداخت. درین فصل زمستان و سرمای شدید، کمبودی ها در همه ساحات را، برای متباقی باشندگان کابل «فاجعه» آمیز خوانده است. در همین راپور تذکار رفته است، که اضافه از نیمی از باشندگان کابل، شهر کابل را ترک کرده اند، اکثریت راه جلال آباد را در پیش گرفته اند. در همین صفحه همچنان می خوانیم که حدود ۸۰۰۰۰۰ باشند کابل اکثر آ در تعمیر ها و خانه های تخریب شده و «صدمه دیده» شب و روز را سپری می نموده اند.

اینکه «در کابل چه میگذرد»، از زبان، «پیتر شتوکر» (Peter Stocker)، آمر «کمیتة بین المللی صلیب احمر»، مینویسد: «میتوانید فارغ از تشویش، با مفهوم جنون آمیز در «سرایو» مقایسه نمایند، لیکن طوری بنظر می رسد که جهان افغانستان را فراموش میکند.» روزنامه، این سازمان را یگانه سازمان دانسته است که تا اکنون انتقالات کمکی را به پایتخت انجام میدهد.

ختم قسمت چهارم
ادامه دارد

د پانو شمیره: له ۴ تر 4

افغان جرمن آنلاین په درښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de
باندنې: دلیکنې د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ